

نگاهی به کتاب اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول ۱

«سرزمینی که امروزه «جمهوری آذربایجان» نامیده می‌شود، برای هزاره‌ها و تا دهه‌ی دوم سده‌ی بیستم میلادی «آران» نام داشت

عادلی/خبرگزاری آران

عقاب علی احمدی (دبیر نقد و بررسی کتاب انجمن پژوهشی ایرانشهر)

«سرزمینی که امروزه «جمهوری آذربایجان» نامیده می‌شود، برای هزاره‌ها و تا دهه‌ی دوم سده‌ی بیستم میلادی «آران» نام داشت.

در ماه ژوئن ۱۹۱۸، سران حزب مساوات که نام اصلی آن «حزب دموکراتیک اسلامی مساوات» بود در اران دولتی پدید آوردند و بخشی از سرزمین قفقاز را «جمهوری مستقل آذربایجان» نامیدند. پس از پیروزی انقلاب اکتبر، بلشویک‌ها قفقاز را تصرف کردند. به این ترتیب دولت مساوات سرنگون شد و سرزمین اران به خاک روسیه ضمیمه شد. دولت روسیه نیز نام آذربایجان را نگاه داشت و پس از مدتی نام «جمهوری آذربایجان» به «جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان» دگرگون شد.^۲

دزدیدن یک نام چندهزارساله مانند «آذربایجان» و نهادن آن بر سرزمینی که در منابع گوناگون تاریخی نام‌های دیگری داشته است، نقطه‌ی عطفی در سیاست‌های توسعه طلبانه‌ی ای بود که از سوی دولت روسیه و ترکیه عثمانی - که اولی نزدیک به هزار سال از تأسیس نخستین دولت آن (دولت مسکوی) می‌گذرد و دومی پس از راهیابی ترکان سلجوقی به قفقاز در ۹۰۰ سال پیش در این منطقه فرمانروایی تشکیل داده است - اعمال می‌شد. دولت روسیه سیاست روسی کردن خوارزم و سرزمین‌های جنوب روسیه را از دوران ناصرالدین شاه در دستور کار خود قرار داده بود و توسعه طلبی ترکی زبانان قفقاز از روزگار پایگیری اندیشه‌ی پان تورکیسم (که وحدت ترکی زبانان جهان در ملتی واحد را تبلیغ می‌کرد) و برگزاری کنگره‌ی متحد حزب مساوات و حزب فدرالیست‌های ترک آغاز شد. باید افزود که پس از کنگره‌ی وحدت دو حزب پیش گفته، حزب مساوات به «حزب دموکراتیک فدرالیست‌های مساواتی ترک» تغییر نام داد. ۳

دولت روسیه چون کوشش‌های خود را از راه تدوین تاریخ برای ملت‌های منطقه کافی ندید، کوشید با ترکی کردن سرزمین‌های قفقاز بر اساس فرضی نادرست (که همانا در اکثریت بودن در قفقاز و فراگیربودن فرهنگ آنان بود) درگیری پایان‌ناپذیری را در میان قوم‌ها و ملت‌های ساکن این منطقه برپا کند.

دولت روسیه چون کوشش‌های خود را از راه تدوین تاریخ برای ملت‌های منطقه کافی ندید، کوشید با ترکی کردن سرزمین‌های قفقاز بر اساس فرضی نادرست (که همانا در اکثریت بودن در قفقاز و فراگیربودن فرهنگ آنان بود) درگیری پایان‌ناپذیری را در میان قوم‌ها و ملت‌های ساکن این منطقه برپا کند و چنان که تاریخ قفقاز نشان می‌دهد، روسیه چندان هم در این کار ناموفق نبود.

سرزمین اران از دوران باستان جایگاه اقوام گوناگونی بوده است که فرهنگ و زبانی متفاوت با فرهنگ و زبان کنونی آن داشته‌اند. دگرگونی نام اران از دوران باستان و ضبط‌های گوناگون آن نزد ملت‌های منطقه نیز به همین واقعیت وابسته است. تاریخ نگارانی همچون آریان، فلاویوس، پولیبیوس و استرابون در سده‌های آغازین میلادی، این سرزمین را به نام باستانی «آلبانیا» نامیده‌اند. نام «آلبانیا» در نوشته‌های تاریخ نگاران ارمنی به صورت «آغوان»، «آوانک»، «آوان» و «آوانک» و در نوشته‌های جغرافیدانان دوره‌ی اسلامی به صورت‌های «الران» و «اران» آمده است. در کتیبه‌ی شاپور یکم، شاهنشاه ساسانی نام «آلبانیا» برای «اران» و جدا از نام «آذربایجان» آمده است. در متن‌های پارسی‌تباری که تاریخ نگار فقید ارانی، استاد اقرار علی اف اشاره کرده است، نام «اران» به صورت «اردان» نوشته شده است. نام «اران» در نوشته‌های گرجی به صورت «رانی» ضبط شده است. توجه به دگرگونی‌های نام‌های باستانی از راه یاری جستن از دانش زبان‌شناسی که یکی از راه‌های روشن کردن نقاط تاریک تاریخ سرزمین‌های باستانی است در پژوهش‌های دکتر عنایت‌الله رضا در کنار اسناد دیگر جایی درخور یافته است.^۴

در سال‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم و در شرایطی که ایران در اشغال نیروهای متفقین و از جمله سپاهیان شوروی بود، پان ترکیست‌های قفقاز به صورت عاملی برای تجزیه‌ی آذربایجان به کار گرفته شدند و در قالب حزب دموکرات آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه‌وری، حکومتی به سرپرستی و حمایت دولت شوروی در آذربایجان تشکیل دادند. در این زمان تئوری‌های برخی از تاریخ نگاران دولتی روسیه‌ی شوروی به کار گرفته شد تا به تقسیم بندی ساختگی و دروغین آذربایجان شمالی و آذربایجان جنوبی اعتباری داده شود. کار به جایی رسید که تاریخ نگاران قلم به مزد حزب کمونیست و استالین اعلام داشتند آذربایجان هیچ‌گاه بخشی از ایران نبوده است و به طور موقت توسط ایرانیان و بر اردوکنشی‌های استیلاگر آنان اشغال شده است! ۵ چنان که دکتر رضا می‌گوید، واردساختن اتهام اشغالگری به ایرانیان از آن سبب بود که می‌خواستند ارتش سرخ را یاری دهنده و رهایی بخش معرفی کنند.

سرزمین اران از دوران باستان جایگاه اقوام گوناگونی بوده است که فرهنگ و زبانی متفاوت با فرهنگ و زبان کنونی آن داشته‌اند. دگرگونی نام اران از دوران باستان و ضبط‌های گوناگون آن نزد ملت‌های منطقه نیز به همین واقعیت وابسته است. تاریخ نگارانی همچون آریان، فلاویوس، پولیبیوس و استرابون در سده‌های آغازین میلادی، این سرزمین را به نام باستانی «آلبانیا» نامیده‌اند.

پژوهشی که در قامت کتاب اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول به دست خوانندگان رسیده است براساس کتابی شکل گرفت و گسترش یافت که در دهه‌ی ۷۰ به نام «آذربایجان اران (آلبانیای قفقاز)» منتشر شد. نگارنده در این کتاب با بررسی منابع و مآخذ معتبر فرهنگ‌های بومی منطقه همچون ایرانی، ارمنی، گرجی، عربی، ترکی، روسی و منابع اروپایی دیگر کوشیده است تصویری نسبتاً جامع از وضعیت فرهنگی قفقاز به خواننده‌ی خود بنمایاند. تدوین تاریخ تحولات سیاسی کشور اران (جمهوری آذربایجان) تا آنجا که به ملت‌ها و قوم‌های همسایه‌ی آن ربط می‌یابد نیز کاری سترگ است که نویسنده به خوبی آن را به انجام رسانده است. در کنار این کار، ویژگی‌های قومی و فرهنگی استان آذربایجان و تحولات تاریخی آن با بهره‌گیری از اسناد معتبر تاریخی همچون کتیبه‌ها، کتاب‌ها، سکه‌ها و نقشه‌های باستانی تشریح شده است تا از این راه تفاوت‌های دیرینه‌ی این دو سرزمین را بهتر نشان دهد. در بخش نخست کتاب که به مآخذشناسی، قوم‌شناسی، زبان و باورهای دینی اختصاص داده شده است، مطالب در ۱۲ فصل تقسیم شده‌اند. نام فصل‌های بخش نخست عبارت است از: مآخذ و منابع مربوط به آلبانیای قفقاز، نام آلبانیا (اران)، نام آذربایجان (اتورپاتکان)، محدوده‌ی آلبانیای قفقاز (اران)، محدوده‌ی آذربایجان، اقوام ساکن آلبانیای قفقاز (اران)، اقوام ساکن آذربایجان، زبان مردم آلبانیا (اران)، زبان پارسی در آلبانیای قفقاز (اران و شروان)، زبان مردم آذربایجان، باورهای دینی در آلبانیای قفقاز (اران) و باورهای دینی مردم آذربایجان.

آنچنان که استرابون و دیگر تاریخ نگاران باستانی نوشته‌اند، تا پیش از تأسیس دولت آلبانیای قفقاز، مجموعه‌ی ۲۶ قوم و طایفه با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در آلبانیا زندگی می‌کردند. نام برخی از قوم‌های ساکن در آلبانیای قفقاز که در منابع گوناگون تاریخی آمده است، چنین است: سکاها، سودی‌ها، گاردمان‌ها، خجوماتاک‌ها، ایژماخ‌ها، گات‌ها، تاسودیات‌ها، ایسوند‌ها، الوند‌ها، پوخ‌ها، گلوار‌ها، شیچبرها، بلاسیچ‌ها، یگرسوان‌ها ۶، کاسپی‌ها، آلبان‌ها، میک‌ها، گل‌ها، اوتی‌ها، گرگ‌ها، سیلوی‌ها، لوپنی‌ها، لاهیچ‌ها، تات‌ها، تالش‌ها، بودوگ‌ها، کریزها و خینالوگ‌ها ۷

در میان قوم‌های ساکن اران امروز گروهی دارای فرهنگ و زبان‌های ایرانی‌اند که با سیاست استحاله‌ی قومی دولت شوروی که به دولت جمهوری آذربایجان به ارث رسیده است از تحصیل به زبان خود محروم‌اند. ۸. پیوند با فرهنگ ایرانی که از راه مهاجرت تیره‌های آریایی از ایران به آلبانیا (اران) روی داد، مَهر و نشان خود را به گونه‌ای انکارناپذیر بر تاریخ سرزمین آلبانیا نهاده است. دریافت این مهم به ویژه از بررسی فصل‌های سیزدهم تا هجدهم برمی‌آید؛ عنوان این فصل‌ها از این قرار است: آلبانیا از سده‌ی چهارم پیش از میلاد تا آغاز عهد ساسانی، آلبانیای قفقاز در عهد ساسانیان، شهرهای اران در دوران پیش از اسلام، اران از انقراض دولت ساسانی تا پایان خلافت امویان، اران از آغاز خلافت عباسی تا پایان دولت ساجیان، اشاره‌ای مختصر به عهد فرمانروایی سالاریان، روادیان، شدادیان و شروان شاهان.

در فصل های نوزدهم و بیستم که «درآمدن ترکان به قفقاز و نفوذ زبان ترکی» و «توران، ترکان، پان تورانیسم» نام گرفته اند، روند نفوذ ترکان به قفقاز و آذربایجان بر اساس اسناد تاریخی بررسی شده است. موضوع بسیار مهمی که در این بخش به آن پرداخته شده است، بررسی کوشش های گروهی از تاریخ نگاران ترک برای هویت سازی ناشیانه و بی اساسی است که حتی قوم های باستانی همچون سکاها، سمرت ها، اورارتوها، ایلامی ها و اقوام غرب آسیا و شرق اروپا را ترک می دانند. این مورخان این کار را همچون وظیفه ای برای برآوردن خواست های سیاسی دولت ها پذیرفته اند. دلایل اجتماعی و سیاسی رواج زبان ترکی به جای زبان آذری (زبان آذربایجانیان باستان) نیز از دیگر مطالب فصل نوزدهم کتاب است. در فصل بیستم کتاب که «چرا نام اران از بین رفت؟» نام دارد، دلایل اجتماعی و سیاسی فراموش شدن این نام بررسی شده است.

و سرانجام در بخشی که پایان سخن نام گرفته است، مولف به بررسی معنای چند اصطلاح از قبیل «ترک»، «فارس» و «آذری» که اسباب و ابزار دست عوام فریبان حزبی و دست نشانندگان تاریخ معاصرند می پردازد و خواست های سیاسی این گروه ها را برملا می کند.

کتاب اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول نشان می دهد که سرزمین اران (جمهوری آذربایجان کنونی) همواره از سرزمین ایرانی آذربایجان جدا بوده و رود ارس مرز طبیعی، قومی و نژادی میان آن دو بوده است. /ع

پی نوشت ها

۱- رضا، عنایت الله. اران، از دوران باستان تا آغاز عهد مغول. تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲- نقل به مفهوم از: رضا، عنایت الله. آذربایجان و اران (آلبانیای قفقاز). تهران، انتشارات ایران زمین، چاپ اول ۱۳۶۰، ص ۶.

۳- آذربایجان و اران، همان، ص ۶.

۴- اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، همان، ص ۲۵ و ۲۶.

۵- آذربایجان و اران، همان، ص ۹.

۶- اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول همان، ص ۵۸۱-۵۸۲.

۷- همان، ص ۱۳۶ تا ۱۶۰.

۸- همان، ص ۱۵۹.